



درآمد:

نقش حجت الاسلام والمسلمین جمی در ایجاد جریانی روشن بین و کار آمد از جوانان حوزه و دانشگاه، از جمله فصول در خور توجه در کارنامه فرهنگی و سیاسی اوست. حجت الاسلام والمسلمین نورالهیان که سابقه آشنایی وی با آقای جمی به دوران قبل از انقلاب بر می گردد، خاطرات خویش را در این موضوع با شاهد یاران باز گفته است.

« حجت الاسلام جمی، طلاب و حوزه های علمیه » در گفت و شنود شاهد یاران با حجت الاسلام والمسلمین محمد رضا نورالهیان

او تکیه گاه طلاب انقلابی بود...

همگامی در امر مبارزه، با حضرت آیت الله خامنه‌ای ارتباط صمیمانه‌ای داشتند، منتهی چون حضرت آقا عمدتاً در تبعید و مبارزه بودند، خیلی از صحنه‌های دیدار این دو بزرگوار در مشهد، مشاهده نمی‌کردیم، اما ارتباط و هماهنگی خوبی بین آنها وجود داشت و بعدها هم در جریان پیروزی انقلاب و آغاز جنگ، ادامه پیدا کرد و به ویژه با حضور معظم رهبری در جبهه‌ها و اشرافی که به جریان حصر آبادان داشتند، طبیعتاً این ارتباط هم بیشتر شد. حاج آقا جمی چقدر از پایگاه فرهنگ و اندیشه برای انقلاب، از میان طلاب و دانشجویان سربرازگیری کرد و روش و منش فرهنگی ایشان در جهت کادرسازی برای انقلاب چقدر نقش داشت؟ وجود جناب آقای جمی به مفهوم واقعی کلمه مثل یک چراغ بود، یعنی هر جوانی از حمزوی و دانشگاهی بی حقیقت بود و سودای تغییر آن وضعیت فساد و ناپطلوب را در سر داشت، سریع جذب این بزرگوار می‌شد. ایشان با گردهم آوردن چنین جوانانی توانست بحران‌های سخت و مشکل اول انقلاب را از سر بگذراند، جوانانی که نزد او تربیت شدند، جهان آراهای خوزستان بودند. مشکلات و نآرامی‌های بعد از انقلاب در آبادان، در واقع ریشه در مسائل قبل از پیروزی انقلاب داشت و به تنوع فکر و سیاسی این شهر ارتباط پیدا می‌کرد. این موضوع بعد از انقلاب به شکلی تمدید شد. اولاً نفس انتصاب تیمسار دریادار مدنی به عنوان استاندار خوزستان از طرف نهضت آزادی مشکل بزرگی بود. بعد از آن مقطع منافقین و همچنین تحریکاتی که حزب بعث عراق در منطقه می‌کرد و حملات و پاتک‌های فرهنگی موجود، همه اینها موجب شده بود که آبادان چندان وضعیت مناسبی نداشته باشد. حاج آقا جمی توانست به مدد همین جوان‌های که تربیت و جذب کرده بود، توانست فضا را حفظ کند و در دست بگیرد. این واقعاً برای روحانیت و در مجموع برای علمای شیعه افتخار بزرگی است.

آیا در ایام حصر به آبادان رفتید؟ من در آن ایام به خاطر مسئولیتی که در تهران داشتم و معاون وزیر بودم، توفیق نشد، اما یک بار با هلیکوپتر مسافرتی به آنجا داشتیم و دیدیم که تانک‌هایی در پشت منابع نفت مستقر شده بودند و پالایشگاه آبادان همچنان در آتش می‌سوخت. واقعاً وضعیت اضطراری و دشواری بود، ولی وقتی چشمم به آقای جمی افتاد، لیخند آرامش بخش ایشان را هرگز از یاد نمی‌برم. در یک منزل معمولی که هر آن احتمال تعرض و حمله نسبت به آن وجود داشت، سکنی داشتند و با یک وقار و آرامش و دوراندیشی بدیعی، شهر را اراده می‌کرد و می‌خواست نشان دهد که هنوز علائم حیاتی شهر برقرار هستند. واقعاً چه کسی می‌توانست در آن شرایط تحت تأثیر شخصیت آقای جمی قرار بگیرد؟ تمام کسانی که همراه ایشان بودند و آن پایمردی را دیدند، هرگز مقاومت و پایداری ایشان را فراموش نمی‌کنند و اکنون هم در زمره یاران صدیق ایشان هستند. واقعاً زنده کردن این الگو در قالب این کنفرانس خدمت بزرگی به ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه و تضمین کننده آینده این جامعه است. ■

بودند و نقش اساسی در شکل‌گیری و هدایت فکری و نظری و عملی انقلاب داشتند. به نظر من از این جنبه هم باید به شخصیت ایشان پرداخت. می‌دانید که مرحوم شهید آیت الله مطهری خراسانی و اهل فریمان بودند. از فریمان تا مشهد یک ساعت راه هست. هنگامی که ایشان به مشهد تشریف می‌آوردند، معمولاً نماز مغرب را در مسجد ملا هاشم می‌خواندند. این مسجد در بالا خیابان مشهد، یعنی دربی که از بالا سر مرقد حضرت رضا (ع) خارج می‌شود، واقع شده و مأمون بسیاری از چهره‌های شاخص علمی و انقلابی بود. شهید مطهری موقعی که آنجا تشریف می‌آوردند، شهید هاشمی نژاد عمدتاً برای نماز تشریف می‌آوردند و جناب آقای جمی هم وقتی که به مشهد تشریف می‌آوردند، به آن مسجد می‌آمدند. یادم هست که شهید مطهری ربع ساعت بیست دقیقه‌ای زودتر از اذان به مسجد می‌آمد، عیایشان را هم روی دستشان می‌انداختند و می‌نشستند و مفصل با آقای جمی صحبت می‌کردند. حالتی که آندو به هنگام گفت و گو با هم داشتند، نشان از یک صمیمیت و هماهنگی خاصی داشت و کاملاً مشخص بود که ارتباط و گفت و گوی اینها در چه عرصه‌هایی است. عرصه‌های فکری، شیوات و آسیب‌هایی که فرهنگ دینی و همچنین اندیشه انقلابی را در جامعه تهدید می‌کند. طبیعتاً ما به حلقه این دو بزرگوار

به رغم اینکه ایشان در مرکز اقامت نداشتند، ولی با روشن بینی و روشنفکری، مسائل فکری و فرهنگی و سیاسی جامعه را رصد می‌کردند، در جریان آخرین مراحل و منزلگاه‌هایی که به لحاظ فکری در آنها قرار داریم، بودند و پیش‌بینی‌های اجتماعی و سیاسی بسیار صائبی داشتند. همین موجب شده بود که طلاب انقلابی، به ایشان به شکل یک پناهگاه نگاه کنند و فرصت ارتباط با ایشان را در آن برهه‌ای که به قم تشریف می‌آوردند، از دست ندهند.

راهی نداشتیم، اما بعد از اینکه گفت و گوی آنها تمام می‌شد، خدمتشان می‌رسیدیم. گاهی هم در حرم حضرت رضا (ع) با حیا و احتیاط جلو می‌رفتم و به ایشان سلام می‌کردیم و واقعاً هم وقتی کسی در محفل و حلقه‌ای که دور این بزرگوار زده می‌شد، قرار می‌گرفت این شعر برایش تداعی می‌شد که «به دانش دل پیر، برنا بود» آن روشن بینی و دقت و بینش کم نظیر، همه را تحت تأثیر قرار می‌داد. البته ما مطلع بودیم که ایشان در همان مقطع هم به دلیل

آشنایی شما با جناب آقای جمی از چه مقطعی آغاز شد و ایشان اساساً چه نگاهی نسبت به وظایف و اقتضات تحصیلی و فکری طلاب داشتند؟

بنده آیت الله جمی را از دوران تحصیل در قم شناختم، هم به شکل بی‌واسطه و هم به لحاظ ارتباطی که ایشان با آیت الله مطهری و آیت الله خامنه‌ای داشتند و ما هم با این دو بزرگوار مرتبط بودیم. ایشان به عنوان یک عالم روشن بین، وقتی به قم می‌آمدند، طلاب به طور طبیعی نسبت به ایشان علاقه و گرایش نشان می‌دادند و دور ایشان حلقه می‌زدند، به ویژه طلابی که در خط مبارزه و با روشن بینی پیگیر آخرین تحولات فکری و سیاسی کشور بودند. از هدایت‌های ایشان بهره‌م می‌بردند. آقای جمی در خلال این دوران، به دو ویژگی بیش از سایر خصالشان آشنا شدند. اولین ویژگی روشنفکری به مفهوم واقعی کلمه بود، به رغم اینکه ایشان در مرکز اقامت نداشتند، ولی با روشن بینی و روشنفکری، مسائل فکری و فرهنگی و سیاسی جامعه را رصد می‌کردند. در جریان آخرین مراحل منزلگاه‌هایی که به لحاظ فکری در آنها قرار داریم، بودند و پیش‌بینی‌های اجتماعی و سیاسی بسیار صائبی داشتند. همین موجب شده بود که طلاب انقلابی، به ایشان به شکل یک پناهگاه نگاه کنند و فرصت ارتباط با ایشان را در آن برهه‌ای که به قم تشریف می‌آوردند، از دست ندهند. در آن مقطع طبیعتاً طلاب دنبال چه‌چهره‌ای بودند که واقعاً فکر و اندیشه و عمل او به امام بسیار نزدیک باشد و بتوانند اندیشه ناب و خالص امام را از طریق و مجرای او به دست بیاورند. همه می‌دانیم در آن مقطع عده دیگری بودند که در آن مقطع دعوی انقلابی بودند، داشتند، اما بعدها ماهیت واقعی خود را نشان دادند و حوادث بعدی معلوم کرد که آنها به کانون و مرکز نقل مبارزه که همان رهبری انقلاب بود، قربانی نداشتند و در واقع بیشتر مروج افکار ایشان به شکل یک پناهگاه و تکیه‌گاه فکری و اندیشگی نگاه کنیم، البته این حالت، بیشتر در میان طلاب خوزستانی وجود داشت و آنها طبیعتاً ترجیح می‌دادند معارف و وظایف انقلابی خود را از زبان آقای جمی بشنوند. ویژگی دوم ایشان، شجاعت و جسارت بارز ایشان بودند. بسیاری از افراد هستند که اندیشمندند، اهل تفسیر و تحلیل هستند و ممکن است که مسائل را به خوبی رصد کنند و پیش‌بینی‌های درستی هم داشته باشند، اما وقتی پای عمل به میان می‌آید، شجاعت لازم را برای حضور در صحنه و ابراز نظر ندارند. آنچه که به آقای جمی جاذبه می‌داد این بود که همراه با آن فکر بلند و اندیشه عمیق، اهل حرکت، اهل تلاش و اهل خطر کردن بودند. ایشان بارها توسط ساواک دستگیر شدند و مشکلاتی برایشان پیش آمد و حتی مدتی مخفی بودند. آن نکته‌ای که باعث گرایش طلاب به شخصیت‌هایی چون آقای جمی می‌شد، این بود که همپای گرایش فکری و نظری، تلاش عملی هم انجام می‌دادند. علاوه بر این، نکته دیگری که همه ما شاهد و سایر طلاب انقلابی را به ایجاد رابطه صمیمانه‌تر با ایشان تشویج می‌کرد، هماهنگی و ارتباط ایشان با چهره‌های شاخص و شناخته شده انقلاب بود. علمایی که از چهره‌های طراز اول شاگردان امام